



روش‌های شهرسازی نوین در فرانسه، انگلستان و آمریکا

نویسندگان: دکتر فیروز توفیق (فرانسه، دکتر علی مدنی پور، مهندس سیمین داودی (انگلستان و آمریکا)، به کوشش مجید

غمامی

تهران؛ ۱۳۸۴

ناشر: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۲۳۰ صفحه

بها: ۳۰۰۰۰ ریال

صبا نوری

حاصل نگرش‌ها، شیوه‌ها و سیاست‌های مختلف در شهرسازی امروز دنیا، شکل‌گیری شهرهایی است که می‌توان به خوبی انعکاس برنامه‌ریزی، مدیریت و فرهنگ را در آنها دید. هر چند که هیچ یک از ارزش‌ها نمی‌توانند ادعای مدینه‌ی فاضله‌ی مدرن را داشته باشند، ولی در مقایسه با یکدیگر به خوبی می‌توان تفاوت آشکار و گویای این انعکاس‌ها را مشاهده کرد.

کتاب «روش‌های شهرسازی نوین در فرانسه، انگلستان و آمریکا» در راستای مقایسه‌ی شهرسازی سه کشور فرانسه، انگلستان و آمریکا تألیف شده است، تا همان‌طور که اشاره شد، تفاوت‌های مدیریت، برنامه‌ریزی و فرهنگ موجود در این کشورها را نمایان سازد. هدف از انتشار این کتاب شناخت شیوه‌ها و روش‌های درست استفاده از آموزه‌ها و آزمون‌های جهانی و بهره‌گیری از دستاوردهای گرانقدر آن در سرزمین ایران است.

کتاب پیش‌رو توسط مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۸۴ با

تیراژ ۳۰۰۰ نسخه و قیمت ۳۰۰۰ تومان منتشر شد.

این کتاب شامل مقدمه‌ی ناشر، مقدمه‌ی گردآورنده و سه فصل است که هر فصل به ترتیب به کشورهای فرانسه، انگلستان و آمریکا می‌پردازد.

گردآورنده در مقدمه بیان می‌دارد که شیوه‌های موجود و گذشته‌ی شهرسازی کشورمان دارای نواقص و نارسایی‌هایی است که باید براساس نیازهای واقعی شهرهای کشور و تجربیات نوین جهانی اصلاح و تغییر پیدا کند. روش‌های نوین شهرسازی عموماً از سه کشور یاد شده اقتباس شده است و اصول، مبانی و دستاوردهای آنها طی چهار دهه‌ی گذشته، هم در کشورهای توسعه یافته‌ی دیگر و هم در کشورهای جنوب شرقی آسیا و هم در کشورهای در حال توسعه به طور وسیع مورد استفاده قرار گرفته است.

فصل اول کتاب مربوط به کشور فرانسه است. نویسندگان کوشیده‌اند در چهار بخش تشکیل‌دهنده‌ی این فصل ابعاد، طرح‌ها، اقدامات و قوانین مؤثر در شهرسازی نوین در این کشور را بررسی کنند. این چهار بخش عبارتند از: ۱- سیر تاریخی شهرسازی در فرانسه ۲- تجربه‌ی شهرسازی نوین در فرانسه ۳- طرح‌های مؤثر در شهرسازی فرانسه ۴- طرح‌های شهری در قوانین جدید.

تحول جمعیت شهری در کشور فرانسه از سال ۱۸۳۱ تا ۱۹۹۰ چشمگیر است. جمعیت این کشور در این فاصله‌ی زمانی تقریباً ۶/۵ برابر می‌شود که در این شرایط پیدایش علمی کاربردی به نام شهرسازی گریزناپذیر می‌گردد. شهرسازی در فرانسه به معنای هنر شهری یا توجه به شکل و هندسه‌ی شهری نباید با شهرسازی به معنای کنونی، نه به لحاظ مقیاس، نه پیچیدگی و نه سرشت اشتباه شود. شهر از کنار هم گذاشتن خیابان‌ها، خانه‌ها و مغازه‌ها به دست نمی‌آید، این عناصر پوسته‌ی بیرونی شهر را که جامعه‌ی انسانی است، تشکیل می‌دهند. نقشه و فضاهای پر و خالی تجلیات بیرونی یک موجود جمعی به نام شهر است که در آن زندگی با جایگزینی نسلی توسط نسل دیگر جریان می‌یابد. در شهرسازی نوین مسئله‌ی اصلی درک و فهم این موجود جمعی است.

بخش بهداشت اجتماعی موزه‌ی اجتماعی که بسیاری از شهرسازان را در خود جمع کرده بود، در پیدایش فکر شهرسازی نقش بسیار مؤثری داشت. فعالیت‌های این موزه به پیشنهاد قانونی در سال ۱۹۱۲ انجامید که رسماً بعد از جنگ ابلاغ شد. قانون «کرنوده» یا قانون ۱۴ مارس ۱۹۱۹، نخستین منشور شهرسازی در فرانسه است. نویسنده به ذکر این مطلب می‌پردازد که فرانسه از نظر گذراندن قانون شهرسازی نسبت به دیگر کشورهای مهم اروپایی تأخیر دارد. دو قانون جدید شهرسازی فرانسه به ترتیب در سال ۲۰۰۰ و اواسط سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید و هنوز بیش از دو سال و اندی - در زمان تألیف این کتاب- از عمر آن نمی‌گذرد؛ از این رو تجربه‌ی شهرسازی در کشور فرانسه در سه دهه‌ی پایانی قرن گذشته، اساساً بر پایه‌ی قانون زمین سال ۱۹۶۷ و مصوبات دوران پس از آن تا سال ۲۰۰۰ است. مضافاً که محتوای قوانین جدید نیز غالباً در ارتباط با قوانین و مقررات قبلی تعریف می‌شوند.

وی در ادامه‌ی فصل به توضیح و تشریح طرح‌های شهرسازی انجام شده، طرح‌های شهرسازی مؤثر و طرح‌های شهری در قوانین جدید می‌پردازد.

فصل دوم مسائل مربوط به شهرسازی نوین در کشور انگلستان را مورد بررسی قرار می‌دهد و از سه بخش تشکیل شده است.

بخش اول «ماهیت و سیر تحول برنامه‌ریزی» در انگلستان را مرور می‌کند. تمام جوامع، به جز ساده‌ترین‌شان، اشکالی از برنامه‌ریزی را دارند تا توسط آن درجه‌ای از آینده‌نگری در مدیریت فضا، اغلب توسط مکانیسم‌هایی نظیر ضابطه‌مند کردن توسعه و نحوه‌ی استفاده از زمین، نظارت بر حقوق مستغلات و ارائه‌ی خدمات شهری، دنبال شود. این فرآیند شکل دادن و دوباره شکل دادن به مکان‌ها و فضاها تأثیر بسزایی بر سرشت اقتصادی، اجتماعی و محیطی شهرها دارد.

برنامه‌ریزی سه ویژگی اصلی دارد: ۱- فعالیت است که به آینده توجه می‌کند. ۲- فعالیت است که عمدتاً به بخش دولتی مربوط است. ۳- بر محیط فیزیکی تمرکز می‌کند.

برنامه‌ریزی می‌تواند به معنی فرآیندی باشد که دولت توسط آن مناقشاتی را که در مورد نحوه‌ی استفاده از زمین و توسعه‌ی آن وجود دارد، حل و فصل نماید. هر چند این این فرآیند در کشورهای مختلف متفاوت است، اما این مراحل را

دربار می‌گیرد: ۱- تعیین هدف ۲- اتخاذ سیاست ۳- مشاوره و مشارکت ۴- رفع مناقشات حقوقی ۵- کنترل توسعه ۶- اجرا ۷- ارزیابی دستاوردها.

هدف اصلی نظام برنامه‌ریزی انگلستان سامان‌دهی توسعه و نحوه‌ی استفاده از زمین در جهت منافع عموم است. چنین تعریف تعیین‌کننده‌ای، علی‌رغم ماهیت گسترده‌اش بیان‌کننده‌ی فلسفه‌ی کلی و اصولی است که راهنمای نظام برنامه‌ریزی در انگلستان هستند. در بریتانیا برنامه‌ریزی شهری از یک رشته عقاید اصلاح‌طلبانه‌ی بنیادی در مورد رسیدگی به مشکلاتی چون سلامت عمومی، مسکن و بهداشت به وجود آمد که به دوران صنعتی شدن و شهرگرایی اواخر قرن نوزدهم باز می‌گردد. نخستین برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای در سال ۱۹۴۷ و بعد از جنگ تهیه شد و هدفش «ساختن یک بریتانیای بهتر» بود. این قانون ابزارهای حقوقی لازم را برای به کار بستن برنامه‌ریزی تأمین کرد و حق ساخت‌وساز زمین را ملی نمود.

در بخش دوم این فصل به فرآیند برنامه‌ریزی و انجام آن پرداخته می‌شود. برنامه‌ریزی در بریتانیا در مقیاس‌های فضایی گوناگونی از سطح ملی گرفته تا واحدهای همسایگی انجام می‌شود. چارچوب سیاست‌های برنامه‌ریزی توسط اولویت‌های سیاست‌گذاری گسترده‌تری شکل می‌گیرد که در سطح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی تعیین می‌شوند. مؤلفین سپس در ادامه‌ی مطالب به معرفی بخش‌هایی می‌پردازند که در شیوه‌های قانونی نظام برنامه‌ریزی انگلستان تأثیرگذارند و همچنین فعالیت افراد و گروه‌هایی را توضیح می‌دهند که در نظام برنامه‌ریزی مشغول به کار هستند. بخش آخر این فصل به مسائل کلیدی در برنامه‌ریزی می‌پردازد. از جمله‌ی این مسائل می‌توان به مفهوم توسعه‌ی پایدار، کاربردهای آن در نظام برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی حمل‌ونقل، حفاظت و میراث و برنامه‌ریزی و مشارکت عمومی اشاره کرد.

فصل پایانی کتاب به برنامه‌ریزی نوین شهری در کشور آمریکا می‌پردازد. نویسندگان مسائل را در سه بخش توضیح داده‌اند. بخش اول به «ماهیت و سیر تحول برنامه‌ریزی» می‌پردازد. با مرور مقدمه‌ای در مورد سیر تحول شهرنشینی در آمریکا و سیر تحول مدیریت شهری، چگونگی اهمیت یافتن، آغاز به کار سازمان‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای و مشکلاتی که این نوع برنامه‌ریزی با آن روبرو است، بررسی می‌شود.

سازمان‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای بنا بود در مقیاس منطقه‌ای با مسائلی نظیر خدمات‌رسانی به مناطق بزرگ در حال تفکیک یا محافظت از منابع طبیعی و تفریحی سروکار داشته باشند و توان‌های محدود و مؤسسات موجود را نیز هماهنگ نمایند. برنامه‌ریزی منطقه‌ای به اندازه‌ای که امید می‌رفت مؤثر نبود، روشی بود که عمدتاً با پیشگامی دولت فدرال پدید آمده بود و اغلب از سوی دولت‌های عضو چندان حمایت نمی‌شد، چرا که آنان از رشد و گسترش یک منبع مستقل برخوردار از نفوذ منطقه‌ای بیم داشتند. پس از یک دوره‌ی کوتاه که خصوصی‌سازی یک برنامه‌ی جدید کاری شد، برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سال ۱۹۹۰ دوباره مورد توجه قرار گرفت، هرچند چالش‌ها و تردیدهای حقوقی هنوز هم در مورد آن ادامه دارد.

بخش دوم شامل «برنامه‌ریزی و عمل» است و مسائلی مانند چارچوب‌های قانونی و نهادی، چارچوب سیاست برنامه‌ریزی و نظارت بر امر توسعه را در کشور آمریکا توضیح می‌دهد.

بخش پایانی این فصل به توضیح مسائل کلیدی در برنامه‌ریزی مانند مدیریت گسترش بافت، خانه‌سازی، اجتماع و توسعه‌ی اقتصادی، طراحی شهری، حفاظت و میراث و مشارکت عمومی می‌پردازد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد کتاب روش‌های شهرسازی نوین در جهت مقایسه‌ی شهرسازی در سه کشور فرانسه، انگلیس و آمریکا تألیف شده است، این امر خود می‌تواند گامی مؤثر در مورد بومی کردن تجربه‌های جهانی باشد. کتاب با نثری روان، چینیس درست مطالب و استفاده‌ی فراوان از نقشه و جدول، رساندن پیام و فهم مطلب را به مراتب آسان می‌کند. این اثر علاوه بر اینکه می‌تواند مورد استفاده‌ی پژوهشگران و دانشجویان شهرسازی و معماری قرار بگیرد، برای دانشجویان رشته‌ی برنامه‌ریزی، مدیران، برنامه‌ریزان، سازمان‌دهندگان و کارگزاران یک شهر نیز مفید و راهگشا است.